خبر

تماشای «ریشه‌ها» از قاب افق

«ریشه‌ها» نام سریال هشت‌قسمتی با روایت استثمار مردم آفریقا توسط تجار آمریکایی و به بردگی‌کشیدن آنها در مزارع در جدول پخش برنامه‌های شبکه افق قرار گرفته‌است. این سریال بر اساس رمان ریشه‌ها نوشته آلکس هیلی به کارگردانی ماروین جی. چومسکی، جان ارمن، دیوید گرین در سال ۱۹۷۷ در کشور آمریکا تولید شده‌است. در خلاصه داستان این سریال آمده‌است: نوجوانی به نام کونتا کینته از کشور گامبیا به عنوان برده با کشتی به ایالات متحده آمریکا برده می‌شود، وی سال ۱۷۶۷ به شهر آناپولیس می‌رسد و به بازار برده‌فروش‌ها برده می‌شود، شخصی به نام جان رینولدز، صاحب مزرعه‌ای در اسپوت‌سیلوانیا کانتی، ویرجینیا، وی را خریده و نام او را به توبی تغییر می‌دهد. رینولدز برده‌ای قدیمی‌تر به نام فیدلر را مسئول یادگیری کونتا برای زبان انگلیسی، تربیت و آموزش کار در مزرعه می‌کند. کونتا که از تغییر نامش ناراضی است، مدام برای به دست آوردن آزادی، سعی دارد فرار کند اما در تلاش‌هایش موفق نمی‌شود. جان رینولدز که در فروش تنباکو درآمد مناسبی کسب نکرده، برای پرداخت بدهی خود به برادرش دکتر ویلیام رینولدز، چند برده خود را می‌دهد و.... علاقه‌مندان می‌توانند این مجموعه تلویزیونی را هر شب ساعت ۲۳ و ۳۰ دقیقه و تکرار آن را روز بعد ساعت ۶ و ۱۱ صبح تماشا کنند.

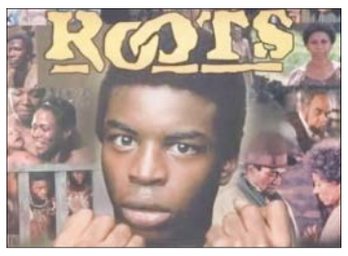

مروری بر موسیقی سریال تاریخی «گیل دخت» که از شبکه یک پخش می‌شود

موسیقی مبتنی بر هیجان و احساس

لی‌لا رضایی
گروه رسانه

«گیل دخت» مجموعه داستانی روایی در سبک تاریخی است که به لحاظ تعدد شخصیت‌های قصه، نیاز به موسیقی هوشمندانه‌ای بود. موسیقی یک مجموعه تصاویر متحرک، با موسیقی روزمره متفاوت است به سختی‌هایی که مراحل ساخت یک موسیقی فیلم یا سریال دارد پی خواهیم برد، چراکه در این زمینه آهنگساز جدا از خلاقیت‌ها و آموخته‌هایی که دارد، باید تن به داستانی از پیش تعیین‌شده برای خلق اثرش بدهد و روی بستری کار کند که پیش از او توسط دیگری پی‌ریزی شده است. نقطه شروع هر کاری، ایده است. در موسیقی فیلم نیز هرچند با سازوکاری از پیش تعیین‌شده روبه‌رو هستیم، ولی کار با ایده و ایده‌پردازی و پروراندن آن شروع می‌شود. تهیه‌کننده یا کارگردان به هردلیلی، چه مهارت و چه شهرت، یک آهنگساز را برای نوشتن موسیقی فیلم انتخاب می‌کند یا با توجه به میزان اهمیت موسیقی برای فیلم، آهنگساز می‌تواند در زمان انتخاب تغییر کند. همین موضوع ما را بر آن داشت تا موسیقی سریال گیل دخت را مورد بررسی قرار دهیم.

ساخت موسیقی متن برای یک سریال طولانی، سخت و پیچیده است اما در این سریال و با توجه به تجربه آهنگساز، گذار از این مقوله به وضوح اتفاق افتاده است و او در طول مجموعه با ساخته‌ها و پرداخته‌های ذهنی خود توانسته است مخاطب را در تمامی لحظات با خود همراه کند. موسیقی گیل دخت در ابتدا با پیانو و طنین دلنشین آن همراه است و در ادامه به همراهی سازهای دیگر نیز منجر می‌شود. زمینه‌شدن و ضمیمه‌شدن موسیقی به تصاویر، موجب شده تا بار اضافه‌ای به سریال تحمیل نشود. در مجموعه گیل دخت آهنگساز (مسعود سخاوت‌دوست) سعی دارد تولیداتش برجسته‌تر از کلیت کار نباشد، بلکه عنصری در خدمت پیشبرد اهداف مجموعه و در نهایت باورپذیری آن از سوی مخاطب باشد. به این ترتیب است که موسیقی این سریال توانسته با رویکردی که دارد، در جهت تکمیل عواطف و احساسات شخصیت‌ها، موضوعات مختلف موجود در آن و در نتیجه کمک به خلق اثری مشترک در هیجانات، جنگ، احساسات و ... حرکت کند.

آهنگساز هرچند خود و موسیقی‌اش شخصیتی مستقل از کلیت سریال داشته و ماهیتی جداگانه دارند اما به هیچ‌وجه جدای از مجموعه نبوده و در روند رو به جلوی سریال تاثیر بسزایی دارند و به نوعی به تکامل این هیجانات و احساسات کمک می‌کنند. سخاوت‌دوست در سریال تاریخی گیل دخت به فراخور موضوعیت داستان و محل و موقعیت مکانی، از به‌کارگیری سازهای بومی و محلی بهره‌مند شده است که البته در فضاهایی نیز با توجه به حفظ امانتداری بومی و منطقه‌ای، نقبی به موسیقی مدرن روز زده است. او تعصبی روی هیچ ساز و هیچ موسیقی خاص و ویژه‌ای ندارد و درجهت پیشرفت پروژه، هرجا به سازی یا فرمی از موسیقی احساس نیاز کرده است، از آن استفاده کرده و کمک می‌گیرد تا در قوام بخشیدن به تصاویر و موسیقی نقش داشته باشد. به‌کارگیری سازهای مختلف با پیشینه‌های متفاوت، موسیقی بومی و ... به فراخور و بسته به تناسب فیلمنامه و موضوعیت آن روند همپوشانی موسیقی و فیلم را تسهیل کرده است.

آهنگساز این پروژه با شناخت از این‌که موسیقی فیلم کوششی بر هماهنگ‌سازی موسیقی با مفاهیم تصاویر متحرک است و عمدتا از طریق توسعه قواعد موسیقی کلاسیک سده ۱۹ و تلفیق آن با شیوه‌های مدرن نگارش موسیقی در سده بیستم کمک گرفته و در کنار موسیقی بومی به موسیقی امروزی نیز پرداخته است کما این‌که به‌جای استفاده از صدای جوان و به‌روزشده محمد معتمدی می‌توانست از خواننده دیگری با رویکردی متفاوت‌تر و صدایی گره‌خورده با مناسبات تاریخی و کهنگی در تیتراژ استفاده کند.

اثبات موسیقی در طول سریال

زمان‌گیری فواصلی که موسیقی در آن شنیده می‌شود، زمان ورود و خروج موسیقی از تصاویر متحرک و هماهنگی آن با دیگر اجزا به‌خوبی تعیین شده است و این نمایانگر پژوهشی بلندمدت در این زمینه است که آهنگساز توانسته با پختگی از پس سختی‌های ساخت موسیقی برای پروژه‌ای به بزرگی گیل دخت برآید. استفاده از موسیقی آکوستیک در موسیقی متن فیلم همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در این موسیقی بخشی از موسیقی آکوستیک را می‌شنویم و مخاطب صرفا به شنیدن موسیقی سینتی‌سایزر و ساخته‌شده توسط کامپیوتر دعوت نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از انواع سبک‌های ساخت را شاهد است. همچنین به‌خوبی از توانمندی و توانایی‌های پیشرفته سازهای محلی بهره جسته است. شاید در ابتدای امر و آغاز سریال، مخاطب به‌خوبی ارتباط لازم را با موسیقی پیدا نکند اما بعد از یک بازه زمانی، آهنگساز خود را بیشتر و بیشتر به اثبات می‌رساند و شنونده با موسیقی او بیشتر و بیشتر خو می‌گیرد و این امر مقوله‌ای اجتناب‌ناپذیر است. سبک نوشتاری موسیقی گیل دخت محدود به تم‌های شخصیتی نیست و دارای جهان‌بینی نامحدودی است که به کمک ریتم‌هایی که از دل سازها بیرون می‌آیند. گیل دخت به لطف مسعود سخاوت‌دوست یک موسیقی نسبتا سبک در ابعاد گسترده دارد که تحت تاثیر احساسات، از بافت‌های همگون تشکیل شده است و موسیقی متن هوشمندانه و احساسی‌ای را منجر شده است. او سعی کرده بازاری عمل نکند که نحوه انتخاب موتیف‌های موسیقی برای فیلمنامه، نوع داستان و ... این را ثابت می‌کند. انتخاب موسیقی الکترونیک از سوی آهنگساز در برخی از فضاهای مجموعه نیز به نظر نوعی گذار از کلیشه‌های موسیقی متن در ایران است. با نگاهی به کارنامه هنری مسعود سخاوت‌دوست می‌توان به این مهم دست یافت که او آهنگساز خلاقی است که سبک‌ها، ژانرها و زمینه‌های گوناگون موسیقی را از موسیقی ارکسترال گرفته تا موسیقی مدرن، موسیقی فیلم و ... تجربه کرده است. وی با بهره‌گیری از موسیقی‌های بومی و ترکیب ژانرهای گوناگون موسیقی، افق‌های تازه‌ای را در برابر موسیقی فیلم برای خود گشوده است. به‌هرحال با این‌که گفته می‌شود آنجا که کلام در می‌ماند، موسیقی آغاز می‌شود، در مورد آثار مسعود سخاوت‌دوست باید گفت نه کلامی درمانده و نه فیلم و تصاویری. موسیقی نه نجات‌دهنده، که ترمیم‌کننده است. به عبارتی موسیقی و سریال و داستان آن همراه و همسو با هم پیش می‌روند و هیچ‌یک بر دیگری ارجحیت ندارد. نتیجه کار با چنین رویکردی، توانسته در اغلب صحنه‌ها اعم از احساسی، هیجانی، صحنه‌های درگیری و جنگ و ... حضور داشته باشد. به این ترتیب این موسیقی می‌تواند یادآور لحظات تلخ‌وشیرین گیل دخت پس از پایان آن برای مخاطب باشد.

زاویه

نگاهی به آثار سخاوت‌دوست

زندگی حرفه‌ای مسعود سخاوت‌دوست بی‌ربط به موسیقی‌هایی که می‌سازد نیست. سازهای تخصصی وی سنتور، پیانو و ویلنسل است. او با نخستین کار موسیقایی خود در حوزه تئاتر موفق به اخذ جایزه نخست جشنواره سراسری تئاتر ماه و سال ۱۳۹۰ برنده جایزه اول آهنگسازی بخش بین‌الملل در سی‌امین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر برای تئاتر «دو لیتر در دو لیتر صلح» به کارگردانی حمید آذرنگ شد. فیلم بدرود بغداد، شیار ۱۴۳، نفس در سال ۱۳۹۴، شبی که ماه کامل شد در سال ۱۳۹۷ و شنای پروانه در سال ۱۳۹۸ نامزد دریافت سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن جشنواره فیلم فجر شد. او جوایز و نامزدی‌هایی در زمینه موسیقی فیلم و تئاتر به‌دست‌آورده و در چهلمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر موفق به دریافت سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن فیلم شده است.

یادداشت

مهکامه درودی | گروه رسانه

مستند تلویزیونی کامرون

جیمز کامرون، فیلمساز سرشناس سینما که این روزها دومین قسمت «آواتار» او در حال رکوردشکنی در جدول گیشه نمایش سینماهاست، در فاصله کارگردانی قسمت‌های چهارم و پنجم این اکشن علمی ـ تخیلی برای قاب کوچک دو مجموعه مستند کارگردانی می‌کند.

این مستندها که برای شبکه نشنال جغرافی ساخته می‌شود، «رازهای زنبورها» و «رازهای پنگوئن‌ها» نام دارند. به گفته نزدیکان به فیلمساز، این دو مجموعه در دل یک‌سری مجموعه قرار دارند که با نام کلی «رازها» تهیه و تولید می‌شوند. جالب آن‌که جیمز کامرون، مدیر تولید این سری فیلم‌ها بوده است.

کار تولید مجموعه رازها از سال ۲۰۲۱ آغاز شد و «رازهای نهنگ‌ها» اولین مستند این مجموعه بود. بعد از این مستند که با استقبال بالایی روبه‌رو شد، دو مستند «رازهای فیل‌ها» و «رازهای اختاپوس‌ها» هم تولید و از تلویزیون پخش شد. با وجود آن‌که این مجموعه مستند بلافاصله از سوی حرفه‌ای‌های دنیای تصویر مورد استقبال قرار گرفت اما حضور کامرون پشت دوربین قسمت‌هایی از آن توجه بسیاری از محافل هنری را به‌خود جلب کرده است.

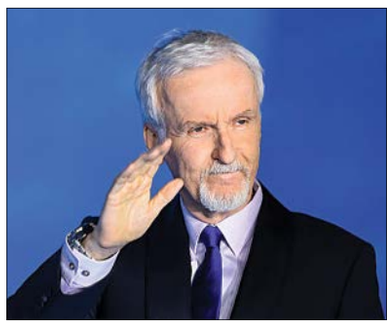

این فیلمساز در گفت‌وگویی درباره اقدام تازه‌اش می‌گوید: «آنچه مرا به سمت همکاری نزدیک‌تر با این مجموعه انداخت، شیفتگی و کنجکاوی عمیقم نسبت به دنیای طبیعی و حیات وحش است. همیشه دوست داشتم بدانم طبیعت چگونه عمل کرده و به راه خود ادامه می‌دهد. خیلی خوشحالم که علم در حال پاسخ دادن به این پرسش‌های اساسی است و احساس می‌کنم من هم باید در این زمینه اقدام عملی انجام دهم.»

کامرون ساخت مستند را کاری سخت و دشوار ارزیابی کرده و عقیده دارد فیلم ساختن درباره حیوانات زنده، باز هم کار را سخت‌تر می‌کند.

او می‌گوید: «تو می‌توانی یک فیلمنامه کامل برای داستان مستندت بنویسی اما به احتمال بسیار زیاد نمی‌توانی آن را بسازی و جلوی دوربین ببری. حیوانات دنیای خاص خود را دارند و آن‌گونه که مایل هستند، رفتار می‌کنند. کسی نمی‌تواند رفتارهای پیش‌بینی نشده آنان را در چارچوب یک فیلمنامه جای دهد. آنها هر وقت دوست داشته باشند خود را نشان داده و دست به کارهای مورد علاقه‌شان می‌زنند. نمی‌توانی به آنها بگویی چه کنند یا نکنند یا این کارها را چه زمانی انجام بدهند یا ندهند. به همین دلیل، فیلمسازی مستند یک تجربه خاص است که صبر و تحمل فراوانی می‌طلبد. مستندسازی درباره حیات‌وحش دقیقا چیزی شبیه خود علم آن است: تو یک سرفصل را دنبال می‌کنی و حواست را صرف تحقیقات می‌کنی. نمی‌دانی در ادامه چه چیزی در انتظارت است و می‌خواهی به چه چیزهایی برسی. فکر می‌کنی می‌توانی حدس بزنی جواب‌هایی که می‌خواهی، چه چیزهایی می‌تواند باشد. با این حال در تمام مدت کار نمی‌دانی داستانی که داری دنبال می‌کنی چیست و به کجا ختم می‌شود.»

هنوز زمانی برای شروع کار فیلمبرداری دو مستند کامرون اعلام نشده است. تهیه‌کنندگان این مجموعه تلاش دارند کار تولید و ساخت آن را تا قبل از شروع فصل تابستان پیش‌رو آغاز کنند./ اسکرین اینترنشنال

آنتن

حقوق و آزادی زنان در «هم ارتفاع»

موضوع حقوق و آزادی زنان از آن دست موضوعات است که همیشه مورد بحث بوده و این روزها بیشتر هم درباره‌اش می‌شنویم. به ویژه جوانان و نوجوانان احتمالا پرسش‌های بیشتری در این خصوص دارند و نیاز است با روشنگری در این‌باره اطلاعات درستی در اختیارشان قرار داد تا در هجمه رسانه‌های گوناگون به گمراهی نروند. این مهم محور برنامه هم ارتفاع قرار گرفته است.

برنامه گفت‌وگو محور هم ارتفاع این هفته با موضوع حقوق و آزادی زنان و با حضور سمیه سادات حسنی حلم، وکیل پایه یک دادگستری از شبکه امید پخش می‌شود.

هم ارتفاع، یک برنامه گفت‌وگومحور است که در آن نوجوانان مطالبات و سوالات خود را با مسئولان و کارشناسان حوزه‌های مختلف مطرح خواهندکرد.

دستاوردهای انقلاب، مسائل کلان کشور، چالش‌های روز، آزادی، هویت ایرانی، مهاجرت و دیگر موضوعات کشور از محورهای این گفت‌وگوها خواهدبود. هم ارتفاع تولید مرکز هنری رسانه‌ای نهضت با مشارکت شبکه امید است که شنبه تا سه‌شنبه ساعت ۲۰ و چهارشنبه تا جمعه ساعت ۲۱ روی آنتن می‌رود.

موج صدا

شنیدن سکانس‌های «پرسه در مه»

برنامه رادیویی «به‌توان‌هفت» با ترکیب داستان‌های عامه‌پسند و فیلم‌های سینمایی لحظات به یاد ماندنی را با روایت امیرحسین مدرس برای مخاطبان می‌سازد. این برنامه امروز چهارشنبه ۱۰ اسفند با موضوع «پس از باران» راهی آنتن می‌شود. همچنین به‌توان‌هفت در بخش فیلم سکانس‌هایی از فیلم «پرسه در مه» به کارگردانی بهرام توکلی در سال ۱۳۸۸ را تقدیم مخاطبان می‌کند. این فیلم در ژانر خانوادگی درام است. در داستان این فیلم آمده است امین که آهنگساز و نوازنده پیانوست پس از ازدواج با رؤیا بازیگر تئاتر با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شود که زندگی آنان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد تا جایی که کارش را رها می‌کند، همسرش را از دست می‌دهد و دچار وضعیت نامتعادلی می‌شود.

برنامه فرهنگی به‌توان هفت در بخش داستان خوانی امیرحسین مدرس بخش‌هایی از داستان زندگی من: کار، خانواده و آینده ما را برای مخاطبان روایت می‌کند.

به توان هفت از شنبه تا چهارشنبه ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه به تهیه‌کنندگی مژگان فرزین روی آنتن شبکه رادیویی صبا می‌رود.

خاطرات کاغذی

دست و رو نشسته

مریم فلاح: شخصیت اصلی این کارتون صامت گوساله بانمکی بود که با پدر و مادرش در مزرعه زندگی می‌کرد. گوساله‌ای شر و شیطان که اغلب اوقات از مادرش حرف شنوی نداشت و معمولا هم از سر بازیگوشی از پشت حصارهای چوبی مزرعه بیرون می‌آمد و با حیوانات مزرعه، خصوصا مرغ و خروس‌ها همبازی می‌شد. ماجراهای کارتون «دست و رو نشسته» بیشتر جنبه آموزشی داشت و مخاطب اصلی آن گروه سنی خردسالان بود. خاطرتان هست اولین بار که گوساله قیافه و هیکل خودش را در آب دید، چقدر حیرت‌زده شد؟ شاید فکر می‌کرد به خوش هیکلی و زیبایی یک بچه آهوست! یکی دیگر از تجربیات او برخورد با دیواری تازه رنگ شده بود. ماجرا از این قرار بود که چون رنگ دیوار هنوز خشک نشده بود بنابراین رد سر، شکم و پاهایش روی دیوار ماند. گوساله از دیدن این صحنه واقعا متعجب شده بود؛ تعجبی از جنس اولین تجربه‌های کودکانه. کارتون روسی «دست و رو نشسته» سال ۱۹۶۴ میلادی در اتحاد جماهیر شوروی سابق ساخته شد.

کیوآرکد را اسکن کنید